

اصول نگارش نمایش رادیویی



● تیم کروک
مترجم: حمیدرضا تاجلی

لحظه بگیرد مانند آن است که بدون بازسوز قایق شوید و به دریا بروید. در این صورت نمایش نامه‌نویس ماندگاری نخواهد بود.

لحظه ورود به «داستان»

این بخش چگونگی ورود شنونده‌ها به داستان را به نمایش توضیح می‌دهد. هرگز به آنان رختخواب گرم و نرم و بالش راحت و بصری آب گرم ندهید. زمینه‌های تاریخی از طریق فعالیت‌های نمایشی بهتر درک می‌شود. بنابراین شنونده‌ها همان‌جا را به همراه یک چتر تجارت بر فراز یک لحظه دراماتیک قرار دهید. آن نقطه اوج را در نظر داشته باشید، که گاهی ممکن است زودرس باشد. لحظه پیوستن به داستان را بیابید. از حرکت تشریحی جزئی خودداری کنید. آنها را به یک سفر پرتیزی ببرید و در سرانجامی ماهرانه اهدا کنید.

برخی از واقعیت‌های ناگوار

بیشتر نمایش‌های رادیویی به نحو نامطلوبی نوشته می‌شوند. نوشتن نمایش رادیویی مخاطرات زیادی دارد. نمایش رادیویی در رادیو تجاری بریتانیا برنامه اصلی نبوده است، اما در ایالات متحده و استرالیا برنامه اصلی محسوب می‌شده و از واسط تا اواخر دهه ۵۰ به تلویزیون انتقال یافت.

نمایش رادیویی در سرویس‌های رادیویی عمومی مانند BBC، به دلیل فشار ایدئولوژی تجاری و این واقعیت که مسئولان و کارگردانان نمایش رادیویی از خود راضی اند، مورد تهدید قرار دارد. IPOP امید است که به حمایت از نمایش‌های اصلی ادامه می‌دهد.

اصول و قواعد اساسی آغاز

آغاز در واقع همه چیز است؛ اگر این بخش از نمایش به خوبی

ساختار

برپا کردن، تلاش، عزم و اراده، شما می‌توانید این روال را معکوس کنید، اگر بنا و برپا کردن پیش از عزم و اراده برایتان دراماتیک و سازنده است. نمایش خود را دربردارنده مجموعه‌ای از مراحل در نظر بگیرید.

تعارض

تعارضات احساسی، مالی، انسانی، اخلاقی و فیزیکی زیادی وجود دارد که مخاطب شما را می‌تواند بخنداند یا بگریزاند. شما می‌خواهید که شنونده‌هایتان بخندند یا بگریزند. اگر نتوانستید این کار را انجام دهید، فرصت را از دست داده‌اید.

طراحی

این داستانی است با پیچ و خم‌های بسیار زیاد و شادی‌های زیادتر. بیشتر شنونده‌ها طرح‌های هیجان‌انگیز را دوست دارند. بدون یک طرح خوب شما تنها یک تفک تو خالی را خورده‌اید. شما به طرح‌ها و شرح‌های بیشتری نیاز مندید. کمترین حد این است که باید دو خط داستان داشته باشید، دو طرح جزئی جالب خواهد بود. در نمایش، طرح‌ها با یکدیگر باید ارتباط منطقی داشته باشند. بهترین سیستم، وجود خط داستان کوچک و بزرگ است که با یکدیگر مرتبط باشند و در پایان به یکدیگر برسند.

قطب‌ها یا غایت‌ها

هنر داستان‌سرایی در واقع آشکار ساختن محدودیت‌های نهایی حیات فیزیکی و روانشناختی ماست. درگیری یک قطب با قطب دیگر است.

گفت‌وگو

این بخش بیانگر چگونگی مشارکت دراماتیک با جهان است. شخصیت‌ها از طریق جزر و مد گفت‌وگو به آگاهی، مباحثه، تشویق و استدلال می‌رسند. آنگاه که گفت‌وگو می‌کنیم، صحبت می‌کنیم، بدین جهت نمایش‌های بزرگ رادیویی از طریق گفت‌وگوهای دراماتیک خلق نمی‌شوند.

شکفتنی

مردم تشنه سرگرمی‌اند. اگر قرار باشد خسته شوند حاضرند به جای گوش دادن به نمایش رادیویی شما، صورت و فهرست مالیاتی خود را بپر کنند. به کمک نمایش خود، هم مردم را بترسانید و هم آنها را هیجان زده کنید.

جو (محیط)

این بخش در واقع شکل دهنده روح احساسی نمایش است. این امر در واقع پاسخ دهنده این سؤال است که آیا شنونده‌هایتان به دنیایی که ساخته‌اید اعتقاد دارند یا خیر. دنیاها به تنهایی به کمک گفت‌وگوهای دراماتیک خلق نمی‌شوند؛ در این راستا گرایش‌ها و جو خاصی وجود دارد که با توضیحات مربوطه تبیین می‌شود و می‌تواند در یک جلوه صوتی و یادریک نوشته و یادریک موسیقی و به طور کلی در هر چیزی نمود پیدا کند. اما نتیجه آن است که بنحین بعد نوشتار رادیویی - تخیل شنونده - به قصد تصاویر مغز تبدیل می‌شود.

شخصیت

شخصیت اصلی نمایش شما باید با مخاطب احساس هم‌دردی داشته باشد. مخاطب شما به کمک شخصیت اصلی نمایش شناخته می‌شود. اگر این واقعه رخ ندهد، شما مرتکب اشتباه شده‌اید.

آغاز در واقع همه چیز است؛ اگر این بخش از نمایش به خوبی انجام نگردد، مانند آن است که بدون پارو سوار قایق شوید و به دریا بروید. در این صورت نمایش نامه- نویس ماندگاری نخواهد بود



احساس

نزد شنونده حضور داشته باشید. شما باید پاسخ احساسی در شنونده ایجاد کنید. پاسخی که باید غالباً نسبت به شخصیت اصلی باشد. نسبت به سایر شخصیت‌ها هم چنین پاسخی را باید ایجاد کرد، البته نه به قوت شخصیت اصلی. احساسی یعنی عاشقانه، تفرامیز و یا تحسین برانگیز. هرگز نگران نوع احساس نباشید. فقط تمرکزتان را بر روی بودن یا نبودن آن قرار دهید. ارتباط احساسی میان نوشتار و شنونده یعنی یک نمایش رادیویی خوب.

توازن میان شخصیت و طرح اصلی

شما باید میان شخصیت و طرح اصلی توازن برقرار کنید. نمی‌توانید معامله بکنید. یکی بر دیگری می‌تواند غالب شود. جایی که میان هر دو، توازن برقرار باشد جایی است که

کمدی Slapstick (بزنی بشکن) به نوع خاصی از نمایش و سرگرمی اختصاص دارد. مطمئن شوید که شخصیت‌های شما از این ابزار لودگی بهره نمی‌برند. زیرا این شیوه، کمدی یا Sitcom کامل نیست. از تعاقب احساس شادی در وجود بازیگران که از این حس استفاده می‌کند، مطمئن شوید.

چگونه می‌توانید شنونده‌ها را در دنیای نمایش وارد کنید؟

- هم‌دردی و همراهی با شخصیت اصلی

- شروع سخت و غوغین

- وجود دشمن پست و تبهکار و شرور

- طرحی بزرگ... واقعه‌ای بزرگ، پیچ و خم زیاد

- وجود پهران در ابتدای داستان در واقع یک شروع بزرگ

و دراماتیک است

- کشش احساسی، (بر روی نقاط مهم تأکید کنید)

- وجود تعارض فزاینده که با تقیاض و اتساع همراه است

برای اینکه شنونده رادپورا خاموش نکند باید حالت انقباض و انقباض را حفظ کنید و این روند را تکرار کنید به نحوی که این ریتم بر قلب و مغز شنونده تأثیر گذارد

- اقدام رنگ‌ها به نحوی که سبب ایجاد یک جو، حالت و محیط خاص شود
- تعاقب و تعادل میان جذب و هراس، انقباض و اتساع، انقباض و انقباض. (پلیس خنده‌دار و پلیس ناپاک و پلید)
- شگفتی، شگفتی. (این چیزی است که از طریق طرح خود می‌توانید در شنونده ایجاد کنید).

اصول نمایش‌های پیشرفته

مقدمه
- شخصیت اول، هدف و مقصود
- شخصیت دوم، هدف و مقصود
- هدف از نمایش در تمامی طرح‌ها
- یکی از شخصیت‌ها که به هدف دست می‌یابد
- اتصال به نمایش بعدی از طریق معرفی یا اشاره به مکان
- نمایش بعدی و یا حضور کاراکتر در نمایش بعدی.
- علامت سؤال در ذهن شنونده، غالباً یکی و بهتر است دوتا و پاسه تا باشد.

شخصیت پردازی در ارتباط با توسعه طرح باشد. اگر طرح اصلی شما بر روی شخصیت نمایش تأکید دارد، مطمئن باشید که طرح فرعی شما بر روی خود طرح تأکید دارد.

هدف

قانونی طلایی Crook آن است که هر کلمه و هر خط و هر صحنه باید دارای هدفی دراماتیک در خصوص شخصیت پردازی و توسعه طرح باشد. هر آنچه را که در بردارنده هدفی دراماتیک نیست، باید دور بریزید.

انقباض و انقباض

برای اینکه شنونده رادپورا خاموش نکند باید حالت انقباض و انقباض را حفظ کنید و این روند را تکرار کنید به نحوی که این ریتم بر قلب و مغز شنونده تأثیر گذارد. از یک سو او را مجذوب کند و از سوی دیگر بهراساند. اما هر دوی آنها باید در کنار یکدیگر باشند. کاراکتر شما از خلق و خوی شاد بهره می‌برد تا در مقابل تنش صحنه با نمایش عکس‌العمل نشان دهد. از کاراکتری بهره ببرید که برای مقابله با موقعیت‌های دشوار از خلق و خوی شاد بهره می‌گیرد. از شغاعی بودن این شادی اطمینان حاصل کنید.

اصول مربوط به شخصیت بازیگر

- اعتماد و شناخت

- در طرح باشد

- کاراکترها باید کار کرد داشته باشند. کاراکترها باید با

کار کرد و نقش خود تطابق داشته باشند

- کاراکترها باید دارای قصد و نیت باشند

- به منظور درک بهتر شنونده ها، نمایش را به صورت

کلیشه ای آغاز کنید و آنگاه روش خود را تغییر دهید. با این گفته

که دیگر چیز تازه ای زیر نور خورشید وجود ندارد، از طریق

نوسازی آن در زیر نور ماه، مبارزه کنید

- به هر کدام از کاراکترهای نمایش یک ماهیت اخلاقی و

فیزیکی غالب، بدهید. این ماهیت را هدفمند و مترقی سازید.

- کاراکتر اصلی شما باید فعال باشد

- کاراکتر فعال، طرح فوری و ضروری، انرژی و توان

کاراکتر با فوریت و ضرورت طرح مبارزه می کند و ضرورت و

فوریت طرح، کاراکتر را با انرژی و نیرومند می سازد.

اصول مربوط به خلق زنان و مردان قهرمان

- شنونده ها به کاراکترهای اصلی توجه دارند و می خواهند که

با آنها همراه باشند. زیرا همه ما به وجود مردان و زنان قهرمان در

زندگیمان نیاز داریم. بر اساس تفکر جوادالهی حیات،

انسان های ماورایی و لحظه های

ماورایی می توانند بر بدبختی ها فائق آیند.

- اگر از هوش فوق العاده ای برخوردار باشید، می توانید

قهرمان داستان را کنترل دهید و او را خواص سازید یا او را آنچنان

توانایی دهید که در سرنوشت بشر اقیانوس نقش کند.

- فرصت های خصوصی به کاراکترها بستان بدهید که بتوانند

فراغ از محافظانشان به ماجرا بدهند تا در مغز و قلب آنان وارد

شویم. این امتیاز ویژه را به شنونده بدهید. از این فرصت برای

آشکار سازی بهره ببرید.

- کاراکتر اصلی طرح را تغییر داده و تحت تأثیر آن تغییر

می پذیرد.

شما باید دارای کاراکتر اصلی و تأثیره باشید. شخصیت

زبان و صدای بلند، زبان ثلاثی است. ارتباطی با اکتان بالا. شاعرانه فلسفی و طرز بیان نمایش نامه.

این امر نه تنها به توسعه و گسترش طرح و کاراکتر کمک می کند، بلکه دیدگاه نویسنده را نیز ارائه

می دهد و چنین فردی در رادیو به خوبی کار می کند



اصولی شما تغییر می‌کند. کاراکترهای ثانویه شما احتمالاً دارای شخصیت‌های استثنایی‌اند. کاراکترهای ثانویه شما غالباً از التزام خاصی برخوردارند. کاراکتر اصلی شما از حق انتخاب بیشتری برخوردار است.

- باید کاراکترهایی انتخاب کنید که به خوبی با یکدیگر در ارتباط باشند... کاراکترهایی که نمایش متفاوتی پدید می‌آورند. اکنون مادر کجا قرار داریم؟ پله، ما باید اینجا باشیم...

- کاراکتر اصلی در میانه داستان قرار دارد

- شما از صفات اختصاصی بارز بهره برده‌اید

- شنونده کاراکتر اصلی را دوست دارد

- شنونده آنچه را که برای کاراکتر اصلی اتفاق می‌افتد، زیر نظر دارد

- شنونده از شخصیت‌های منفی و مثبت منتظر است

- کاراکتر اصلی پیشرفت می‌کند.

اصول گفت‌وگو

- گفت‌وگو در واقع باید پاسخی باشد به موقعیت، طرح و با عملی و فعلیتی

- گفت‌وگو باید پاسخی باشد به هر کاراکتر در صحنه نمایش

- گفت‌وگو باید دارای لحنی کمیک باشد

- گفت‌وگو باید به صحنه بعدی اتصال یابد

- از حالات انعکاسی فعلی و خنثی خودداری کنید. بیشتر دنبال حالات فعال و مستقیم و احساسی باشید

- با توجه به زمینه و حالت احساسی کاراکتر، گفت‌وگو باید مقبول باشد

- اگر گفت‌وگو پاسخی و عکس‌العملی نسبت به عمل یا موقعیتی است، باید دراماتیک و دوقطبی باشد. اهداف کاراکترها در هر صحنه باید متفاوت باشد

- گفت‌وگو باید مستمر باشد. کاراکترها باید از طریق تکرار آخرین کلمه گفته شده کاراکتر قبلی، آن را ادامه دهند

- گفت‌وگو باید مربوط به عمل و کارکرد باشد.

- شما می‌توانید گفت‌وگو مستقیم و غیرمستقیم میان دو کاراکتر را برای اهداف متفاوت در یکدیگر ادغام کنید

- گفت‌وگو می‌شود به معنای گفتن لطیفه از سوی کاراکتر نیست، بلکه پاسخی عطفی به موقعیت دراماتیک است

- گفت‌وگو با صدای بلند علیه گفت‌وگو طبیعی، زبان و صدای بلند، زبان تئاتر است. ارتباطی با اکتان بالا، شاعرانه... فلسفی... و طرز بیان نمایش‌نامه.

این امر نه تنها به توسعه و گسترش طرح و کاراکتر کمک می‌کند، بلکه دیدگاه نویسندگان را نیز ارائه می‌دهد و چنین فردی در رادیو به خوبی کار می‌کند. اما امروزه گرایش اصلی به سوی

گفت‌وگوی طبیعی است. تهیه‌کننده‌های رادیو علاقه دارند که در محیط طبیعی وارد شوند و واقعیات را منعکس کنند. در چنین اوضاع و احوالی شما باید به گفت‌وگوی طبیعی پایبند باشید.

اصول اختصاصی رادیویی

- حیات درونی

- تنش و تعارض میان بخش درونی و بیرونی

- جنبه‌های روانشناختی بیشتر

- سهولت اکتشاف مسائل واقعی و فراقوهی و ترسیم خط

فاصله میان دو بخش فوق‌الذکر

- فعالیت در بعد پنجم، توانایی مشارکت تخیلی شنونده را

افزایش می‌دهد

- حیات درونی سبب کشف افکار، تخیلات، احساسات و

تعارضات فردی می‌شود

- تعارضات بیرونی در تمامی سطوح کشف می‌شوند

- وقایع شتاب‌زده در طرح، حیات درونی کاراکتر را تهدید

می‌کند

- پایان یافتن یا تصمیم‌گیری راجع به نمایش رادیویی عمیقاً

ریشه در موازنه احساسی و دیدگاه کاراکتر اصلی دارد. تغییرات

شامل تغییرات درونی و بیرونی می‌شود

- تغییر زمانی و تغییر مکانی سریع‌تر و پیچیده‌تر است؛

پازگشت به گذشته... مراجعه به آینده... و اعصار متفاوت

- رادیو به کاراکتر کمتری نیاز دارد. شخصیت بازیگران باید

توی و جذاب باشد

- تمرکز بر روی کاراکتر اصلی و طرح را حفظ کنید

- در خصوص عبارات، بیشترین توجه به شگفتی و درگیری

ساختن ذهن شنونده معطوف شود

- دلبایی حیاتی است، از آنجایی که زبان از اهمیت زیادی

برخوردار است و... هوشیاری به کمک عبارات انرژی و توان

به کمک عبارات و شادمانی به کمک عبارات حاصل می‌شود.

دلایی به کمک شگفتی زده کردن شنونده توسعه می‌یابد و باز

به کمک شنونده موردتعدادی قرار می‌گیرد و با سریع‌تر و کوتاه‌تر

می‌شود

- استهزا دارای حسن تأثیر و از طرفی دارای بیانی بی‌ارزش

و پیش‌پا افتاده است. در واقع تعارض میان حیات درونی و

اعمال بیرونی است.

منبع:

- Crook, T. Principles of writing radio drama.

http://www.itp.co.uk [2005].